



شکایت پیامبر

کلیدواژه: رحمة للعالمین، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، شفاعت، مهجوریت قرآن مجید، مسائل اصولی، شکایت.

پرسش: پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) «رحمة للعالمین» و «شفیع» امت اسلام است، پس چرا در روز قیامت از امتش در مهجوریت قرآن شکایت می‌کند؟

پاسخ: پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مسائل شخصی، نرم و ملایم بودند و در مسائل اصولی و کلی صددرصد صلابت داشت. انعطاف‌ناپذیر بود. اگر کسی به شخص پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اهانت می‌کرد، با عفو و بخشش پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مواجه می‌شد و اگر کسی قانون اسلام را نقض می‌کرد؛ مثلاً زدی می‌کرد یا شراب می‌خورد؛ به شدت با او برخورد می‌نمود. بدیهی است که مسئله مهجور گذاردن قرآن نیز از جمله مسائل اصولی اسلام است و عفو و گذشت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز شامل آن نمی‌شود. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روز قیامت به خاطر عمل نکردن امتش به قرآن، از آنان شکایت می‌کند.

فهرست مندرجات

- ۱ - رحمت عامه پیامبر
- ۲ - شرایط شفاعت
- ۳ - صلابت در مسائل اصولی
- ۴ - مهجور گذاردن قرآن
- ۴.۱ - روایتی از امام باقر
- ۴.۲ - روایتی از پیامبر
- ۵ - منابع
- ۶ - پانویس
- ۷ - منبع

رحمت عامه پیامبر

قرآن در آیه «۱۰۷» سوره انبیاء [\[۱\]](#)
[\[۱\] انبیاء/سوره ۲۱، آیه ۱۰۷.](#)

به رحمت عامه وجود پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اشاره کرده و می‌فرماید: «ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم». عموم مردم دنیا (اعم از مؤمن و کافر) مرهون رحمت تو هستند؛ چراکه نشر آیینی را به عهده گرفتی که سبب نجات همگان است، حال اگر گروهی از آن استفاده کردند و گروهی نکردند، این مربوط به خودشان است و تأثیری بر عمومی بودن رحمت نمی‌گذارد. این درست شبیه به آن است که بیمارستان مجهزی برای درمان بیماری‌ها با پزشکان ماهر و انواع داروها تأسیس کنند. حال اگر بعضی از بیماران لجوج خودشان از قبول این فیض عام امتناع کنند؛ تأثیری در عمومی بودن آن نخواهد داشت و به تعبیر دیگر رحمت بودن وجود پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برای همه جهانیان، جنبه مقتضی و فاعلیت فاعل دارد و مسلماً فعلیت نتیجه، بستگی به قابلیت قابل نیز دارد.

[\[۱\] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۲۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۲.](#)

شرایط شفاعت

شفاعت: شرایط و قیودی دارد که بدون آن امکان‌پذیر نیست؛ چنان‌که در آیات قرآن صریحاً این معنی ذکر شده است که شفاعت تمام شیعیان درباره گروهی از مجرمان بی‌اثر است، «شفاعت هیچ‌یک از شفاعت‌کنندگان به حال آنها سودی ندارد».

[\[۱\] مدثر/سوره ۷۴، آیه ۴۸.](#)

نه شفاعت انبیا و رسولان و امامان، و نه شفاعت فرشتگان و صدیقین و شهدا و صالحین؛ چراکه شفاعت، نیاز به وجود زمینه مساعد دارد، و این‌ها زمینه‌ها را به کلی از میان برده‌اند. شفاعت همچون آب زلالی است که بر پای نهال ضعیفی ریخته می‌شود و بدیهی است اگر نهال به کلی مرده باشد، این آب زلال آن را زنده نمی‌کند و به تعبیر دیگر «شفاعت» از ماده «شفع» به معنی، ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر است و مفهوم این سخن آن است که شخص شفاعت‌شونده قسمتی از راه را با پای خود پیموده و در فراز و نشیب‌های سخت وامانده، شخص شفاعت‌کننده به او ضمیمه می‌شود و او را یاری می‌کند تا بقیه راه را ببیماید.

[\[۱\] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۵۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۲.](#)

پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مسائل شخصی، نرم و ملایم بودند و در مسائل اصولی و کلی صدرصد صلاحت داشت. انعطاف‌ناپذیر بود. اگر کسی به شخص پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اهانت می‌کرد، با **عفو** و بخشش پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مواجه می‌شد و اگر کسی **قانون اسلام** را نقض می‌کرد؛ مثلاً **دزدی** می‌کرد یا **شراب** می‌خورد؛ به شدت با او برخورد می‌نمود.

← بیان یک نمونه

به عنوان مثال، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در برابر اهانت یک فرد یهودی آن قدر نرمش نشان داد که مرد یهودی همان‌جا **ایمان** آورد؛ [۵] **مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۶، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳، ه.ق.** اما درباره زنی از اشراف **قریش** که مرتکب دزدی شده بود، هیچ‌گونه توصیه و وساطتی را نپذیرفت و فرمود: آیا می‌گویید من قانون اسلام را معطل کنم؟!

[۶] **محدث نوری، حسین‌بن‌محدثقی، مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۷، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸، ه.ق.**

پس پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مسائل اصولی هرگز نرمش نشان نمی‌داد؛ درحالی که در مسائل شخصی فوق‌العاده مهربان و با گذشت بود.

[۷] **مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، ص ۲۳۶ تا ۲۳۸ باندکی تصرف، تهران، صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۶۷.**

مهجور گذاردن قرآن

بدیهی است که مسئله مهجور گذاردن قرآن نیز از جمله مسائل اصولی اسلام است و **عفو و گذشت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** نیز شامل آن نمی‌شود. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روز قیامت به خاطر **عمل** نکردن امتش به قرآن، از آنان شکایت می‌کند.

← روایتی از امام باقر

امام باقر (علیه‌السلام) از پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روایت می‌کند که فرمود: «روز قیامت، من نخستین اعزام‌شونده به نزد **خدا** هستم و کتابش و بعد اهل بیتم و سپس امتم. آن‌گاه از ایشان می‌پرسم که با کتاب خدا و **اهل بیت** من چه کردید؟» [۸] **جمعه عروسی حویزی، عبد‌علی، تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۳، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.**

← روایتی از پیامبر

در **روایت** دیگری از پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده است: «قرآن **هدایت** از گمراهی، روشنگری از نابینایی، بازدارنده از لغزش، نور از تیرگی، بازدارنده از هلاکت و نابودی، رهایی از کج‌روی و بیان آزمون‌ها و رسیدن از **دنیا** به **آخرت**، و در آن **کمال** دینتان وجود دارد، و هیچ‌کس از قرآن روی نتابد، مگر آن‌که به سوی **دوزخ** روان شود».

منابع

۱. سیدمحدثقی مدرس، تفسیر هدایت، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد: آستان قدس رضوی، ج ۱، ۷۸، ۸، ص ۴۳۴.
۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۱۵، ص ۷۶-۷۷.
۳. جمعی از نویسندگان، ره توشه راهیان نور ویژه جوانان قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۱، ۱۳۷۶، ص ۴۳-۵۰.

پانویس

۱. **↑** انبیا/سوره ۲۱، آیه ۱۰۷.
۲. **↑** مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۲۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
۳. **↑** مدثر/سوره ۷۴، آیه ۴۸.
۴. **↑** مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۵۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
۵. **↑** مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۶، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳، ه.ق.
۶. **↑** محدث نوری، حسین‌بن‌محدثقی، مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۷، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸، ه.ق.
۷. **↑** مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، ص ۲۳۶ تا ۲۳۸ باندکی تصرف، تهران، صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۶۷.
۸. **↑** جمعه عروسی حویزی، عبد‌علی، تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۳، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.

[سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «شکایت بیامیر»، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۵/۰۸/۱۷.](#)